

خجسته باد چهل و هفتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگرایان!

کنفرانس مطبوعاتی حزب در پاریس در ص ۲

جنگ خونین نباید جای خود را به صلح خونین بدهد!

بیانیه مطبوعاتی هیئت نمایندگی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد زادروز حزب

نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۲۶ دوره هفتم سال پنجم
شعبه ۱۳۶۷/۵ بهار ۲۰ ریال

و اجزا بهیسته آن در هم شکسته نشود، مردم میهن ما نمی‌توانند از شرایط صلح بسود خود بهره‌برداری بعمل آورند.

ادامه سیاست نظامیگری جز به معنای اعزاز مستمر جوانان به جبهه‌ها و صرف بخش مهمی از بودجه کشور برای نگاهداری حدود یک میلیون تن نیروهای مسلح و خرید جنگ افزار، جز به معنای گام برداشتن در راستای ورشکست کامل و تام و تمام اقتصاد و تولید داخلی و افزایش فزاینده تورم و ناآرامی و غیره نیست.

در اوضاع و احوال کنونی، رژیم تلاش می‌ورود با تشدید سیاست ترور و ذفقان و آزادی‌کشی راه ادامه سیاست نظامیگری خود را عوارز سازد. اگر واقعیت جز این بود هیچ‌گاه رژیم استبداد به بی‌رویه انتقام‌گری از خلق و دست‌زدان اسیرش از جمله توده‌ها که او را به عقب‌نشینی از مواضع پیشینش ناگزیر ساخته، نمی‌پرداخت. کشاندن توده‌ها و دیگر مخالفان به سخت جنگ و مدافعان آزادی و صلح به میدانها، تیرباران در ماهیت امر نشانه آنست که رژیم واقعا به صلح پایدار نمی‌اندیشد و از نیروهای صابندوست و آزادپناه هر این دارد.

توان در جامعه و در بین توده‌های خلق برای پایان بخشیدن به جنگی که از ادامه آن تنها امیربالیسم و ارتجاع سود می‌بردند، به روشنگری و سازماندهی پرداخت.

در حال حاضر آتش بی‌دریجی جبهه‌های جنگ ایران و عراق برقرار است. ولی در قواسمی این آتش بی‌دریجی چشم‌انداز روشن و مطمئنی برای ایجاد یک صلح پایدار میان دو کشور دیده نمی‌شود. خصالت طبقاتی و تمایلات فردی و سیاسی رهبران دو کشور ایران و عراق و همچنین ادامه تحرکات و دسیسه‌های امیربالیسم با اجازه رسمی دهد که در راه مبارزه به خاطر صلح پایدار و عادلانه لحظه‌ای از این بی‌تساممی.

هم اکنون عندرغم آنکه رهبران جمهوری اسلامی بویوسه از تمایل به صلح پایدار سخن می‌گویند، حاضر نیستند از سیاست نظامیگری خود دست بردارند. واقعیت آنست که در کشور ما در سالهای گذشته، نظامیگری به صورت یک سیستم سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و فرهنگی سرخاوان رشد کرده و از این رهگذار جامعه را با قجابه گوناگونی روبروی ساخته است. کشور ما که با هر خورداری از ذخائر عظیم زیر

دوم مهر ماه سالروز بنیانگذاری حزب توده ایران است. چهل و هفت سال پیش، حزب توده ایران، بعنوان وارث سنن والای جنبش کمونیستی و کارگری ایران از طبقه جامعه برخاست و در گذر دهها سال فعالیت پر دامنه و خستگی‌ناپذیر و با دادن قربانیهای بسیار، در پیوند ناگسستنی با تئوری و جهان بینی طبقه کارگر، مترقی‌ترین و پیگیرترین طبقه اجتماعی، رشد یافت. بنیانگذاری حزب توده ایران همخوان با ضرورت‌های عینی رشد جامعه ایران صورت گرفت و برخاسته از آماجهای انقلابی‌اش، که بگونه‌ای سرشتی با منافع و خواسته‌های خلق آمیختگی داشت، بدرستی به نقطه عطفی در روند رویدادهای سیاسی و اجتماعی میهن ما و یکی از پدیده‌های پراهمیت تاریخ معاصر ایران تبدیل گردید.

امسال، ما در شرایط ویژه‌ای زادروز حزب خود را برگزار می‌کنیم. امروز دیگر در مرزهای کشور ما آتش جنگ شعله‌ور نیست و در نتیجه شکستهای بیابانی نظامی در جبهه‌ها، تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی و اوجگیری جنبش ضد جنگ توده‌های مردم و نیز فعالیت نیروهای انقلابی و مترقی، رژیم ناگزیر از پذیرش قطعنامه ۵۹۸

خجسته باد چهل و هفتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

آزادی و صلح دارای پیوند ناگسستنی و متقابلند. از هیچ صلحی بدون آزادی نمی‌توان پاسداری کرد و شالوده‌ها آن را استوار ساخت. در عین حال از هیچ آزادی‌ای جز در شرایط صلح نمی‌توان به نحو احسن بسود مردم بهره‌برداری بعمل آورد. آزادی، به‌ای سازماندهی جنبش دفاع از صلح و در پیوند منطقی با آن، ایجاد زندگی صلح آمیز و شکستن سد راه تکامل نیروهای مولده اهمیت حیاتی دارد. تا رژیم "ولایت فقیه" که جنگ و اختناق با شیوه هستی آن در آمیختگی سرشتی دارد، از اریکه قدرت به زیر کشیده نشود، جامعه همچنان روی صلح و آرامش و ترقی بمعنای وسیع کلمه را نخواهد

زمینی و نیروی کار فراوان بالقوه استعداد تبدیل شدن به یک کشور صنعتی - کشاورزی را دارد، در نتیجه سیاست نظامیگری رژیم به صورت یک اردوگاه بزرگ نظامی درآمده است. در واقع اگر نیروهای انقلابی و مترقی با تجهیز توده‌های مردم موفق نشوند رژیم را به عقب نشینی‌های جدی از مواضع کنونی در مجموعه سیاست داخلی و خارجی وادار سازند، بدون تردید کشور ما بسوی فاجعه‌ای هول‌انگیزتر از فجایعی که در سالهای گذشته از سر گذرانده است، کشانده خواهد شد. فاجعه‌ای که به باور ما می‌توان و باید جلوی آن را گرفت.

روشن است که تا تمامی حلقه‌های اساسی و پیوند دهنده سیستم یکپارچه نظامیگری فرونریزد

شرای امتیث سازمان ملل متحد بمنظور نشستن در پشت میز گفتگو برای حل مسائل مورد اختلاف با وسایل سیاسی شده است. حال بچی باید خاطر نشان ساخت که خاموش شدن آتش جنگ، بعنوان یک پیروزی بزرگ خلق، از جمله یکی از دستاوردهای فعالیت و مبارزه حزب توده ایران نیز بشمار می‌رود. توده‌ها می‌توانند بخود ببالند که حزبشان در سالهای شعله‌ور بودن آتش جنگ در هر مرحله با در نظر گرفتن منافع خلق و طبقه کارگر، مواضع اصولی و انقلابی خاص خود را داشته است. در مرحله نخست جنگ، یعنی زمانی که کشور ما مورد تهاجم قرار گرفت، توده‌ها نقش بسیار مهمی در راه آزادسازی میهن از وجود اشغالگران ایفا کردند. پیروزیهای این مرحله از جنگ با نام و قهرمانیهای رفقای بخون خفته‌ای همانند ناخدا افضلی، سرهنگ عطاریان و سرهنگ کبیری و همچنین خیل پرشماری از توده‌های با نام و کمنام پیوند جدائی‌ناپذیر دارد. سپس با آغاز مرحله جدیدی در روند جنگ و تغییر خصلت میهنی آن، حزب بیدرتک درفش دفاع از صلح را برافراشت و با تمام

به گلگشت جوانان

یاد ما را زنده دارید ای رفیقان!

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"؛ سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"؛

کنفرانس مطبوعاتی حزب در پاریس



جهانیان را با زندانیان سیاسی ایران یادآور شدند. نمایندگان حزب کمونیست فرانسه - تاکید ورزیدند، که همه توان خود را در راه پشتیبانی از مبارزات حزب توده ایران علیه رژیم اختناق و جنگ بکار خواهند بست. بنظر رفقای فرانسوی، دولت آن کشور وظیفه دارد، تا در مناسبات خود با دولت ایران، رعایت اکید حقوق بشر را در ایران خواستار گردد.

دیدار هیئت نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست فرانسه در محیطی رفیقانه و سرشار از همبستگی عمیق میان دو حزب برادر صورت گرفت.

رفیق خاوری و دیگر اعضای هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جریان اقامت خود در فرانسه با هواداران حزب نیز ملاقاتها و گفتگوهای رفیقانه داشتند.

برگزاری "کنفرانس مطبوعاتی" را قبلاً خبرگزاری فرانسه به دیگر خبرگزاریها تلکس زده بود. هدف از این کنفرانس مطبوعاتی آشنا ساختن نمایندگان رسانه‌های گروهی فرانسه و جهان با موج جدید و گسترده اعدامها و دیگر جنایات دهشتناکی بود، که اینک رژیم علیه زندانیان توده‌ای و دیگر سازمانهای اپوزیسیون بر راه انداخته است.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران در بیانیه مطبوعاتی خود از مردم فرانسه خواست، تا بانگ اعتراض خویش را علیه این جنایات مقامات ایرانی بلند کنند و قطع اعدامها و آزادی بیدرتنگ زندانیان سیاسی را خواستار شوند. پس از خوانده شدن و بخش بیانیه مطبوعاتی حزب خبرنگاران فرصت آنرا یافتند، تا پرسش‌های خود را مطرح سازند. بعد از کنفرانس مطبوعاتی، مصاحبه‌های دیگری نیز، از جمله با "راديو ت.اس.اف"، "روولوسیون"، "اومانیته" و "لوموند"، صورت گرفت. جریان کنفرانس مطبوعاتی هیئت نمایندگی حزب توده ایران در رسانه‌های گروهی فرانسه انعکاس یافت. در دیدار رسمی، که روز ۲۲ شهریور میان هیئت نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست فرانسه رخ داد، درباره رویدادهای ایران، مهم‌ترین مسائل بین‌المللی و مناسبات میان دو حزب بحث شد. رفیق خاوری و دیگر اعضای هیئت نمایندگی حزب توده ایران به تفصیل درباره اوضاع ایران، مبارزه دشوار مردم و حزب توده ایران علیه رژیم آزادی‌کش خمینی و شعار تشکیل جبهه "آزادی و صلح" حزب سخن گفتند و لزوم همبستگی هر چه بیشتر

چنانکه در شماره پیش گزارش دادیم، هیئت نمایندگی حزب توده ایران، به رهبری رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، به دعوت حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۸-۲۵ شهریور در فرانسه دیدن کرد.

این هیئت در روزهای ۲۰-۱۹ شهریور در "جشن اومانیته" شرکت کرد. در این جشن، که اسامی به پیشوا از دو بیستمین سالگرد انقلاب فرانسه و در پارک "لاکورتو" برگزار شد، بیش از یک میلیون نفر حضور یافتند.

"جشن اومانیته" را رفیق رولان لوروآ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و مدیر "اومانیته"، در "شهر بین‌المللی" افتتاح کرد. بر فراز صحنه اصلی "شهر بین‌المللی" این خوش آمد بچشم می‌خورد:

"درد به انقلابیون همه کشورها، که برای آزادی، برابری، برادری، صلح و سوسیالیسم می‌رزند!"

در "شهر بین‌المللی" روزنامه‌های بیش از ۷۰ حزب برادر، از جمله "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، غرفه داشتند.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران، فزون بر دیدار از غرفه "نامه مردم" از بسیاری دیگر از غرفه‌ها، دیدار کرد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران روز چهارشنبه ۲۲ شهریور کنفرانس مطبوعاتی در "هتل مرکور" پاریس ترتیب داد، که نمایندگان روزنامه‌ها، راديو - تلویزیون فرانسه و خبرگزاریهای جهان در آن شرکت داشتند. خبر

بیانیه مطبوعاتی هیئت نمایندگی حزب توده ایران

در جشن "اومانیته"

مردم به قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت تن داده است.

در روزهای اخیر گروه گروه از زندانیان سیاسی، بویژه زندانیان توده‌ای، فدایی و مجاهد پس از تحمل سالها شکنجه‌های حیوانی به جوشه اعدام سپرده شده‌اند. (...) به شهادت خانواده‌های زندانیان سیاسی، که شبانه‌روز نگران و مضطرب بین زندانها و گورستانهای رژیم در جستجوی اثری از عزیزان خود هستند اخیراً اجساد خونین دهها نفر از زندانیان شکنجه‌دیده به گورهای جمعی ریخته شده است.

چنانکه حزب توده ایران چندی پیش اخطار کرد، حداقل ۵۵ زندانی سیاسی در "سلولهای مرگ" نشسته و در انتظار اعدام هستند. فزون بر اینان، که چه بسا برخی نیز هم اکنون به جوشه اعدام سپرده شده باشند، دهها تن دیتر محکوم به اعدام گردیده‌اند. لیست محکومین به اعدام، از جمله بخش قابل توجهی از اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی وقت و سرشاخه‌های سازمان مخفی قبل از یورش به حزب را در بر می‌گیرد. بقیه اعضای کمیته مرکزی وقت به زندان ابد یا دراز مدت محکوم شده‌اند.

یادآور می‌شویم، که رژیم جمهوری اسلامی دههاتن از زندانیان توده‌ای را با زیر شکنجه به قتل رسانده و یادره‌ها اعدام کرده است. از جمله این رفقا عبارتند از:

خود "شرایط مناسبی" را برای تشدید سرکوب نیروها، آزادیخواه، دمکراتیک و مترقی عراق و ایران یافته‌اند.

دولت عراق در سایه آزاد شدن بخشی از نیروهای نظامی از انجام عملیات جنگی، با استفاده از سلاح‌های شیمیایی به خنق‌کشی در کردستان عراق دست باز دیده است. حزب توده ایران، هم‌آوا با مردم صلحدوست و بشردوست سراسر جهان، این جنایت را بشدت محکوم می‌کند.

در ایران هنوز آتش خمپاره‌ها در جبهه‌های جنگ بکلی خاموش نشده بود، که آتش جوشه‌های اعدام بار دیگر شعله گرفت. تصادفی نیست، که زندانیان توده‌ای از جمله نخستین قربانیان این موج آتش هستند. زیرا حزب توده ایران از سالها پیش شکست سیاست "جنگ، جنگ، تا پیروزی!" را محکوم دانسته بود، نسبت به عواقب فاجعه‌بار آن اخطار کرده بود و خاتمه فوری درگیری و حل سیاسی و مسالمت‌آمیز اختلافات میان ایران و عراق را بر پایه حقوق و موازین بین‌المللی و مبتنی بر اصول استقلال و حاکمیت دو کشور و عدم مداخله خواستار شده بود.

جالب آنکه، همین رژیم، که حتی تا چند ماه پیش سیاست صلح حزب توده ایران را باصطلاح "دنباله روی از مسکو" می‌نامید، اینک بر اثر فروپاشی نظامی - اقتصادی، که موجودیت آن را تهدید می‌کند و ناراضی‌بختی، مقاومت و فشار توده

خانم‌ها، آقایان، رفقا!

هیئت نمایندگی حزب توده ایران در "جشن اومانیته" به شما شرکت کنندگان در این کنفرانس مطبوعاتی خوش آمد می‌گوید.

هدف از این کنفرانس مطبوعاتی آشنا ساختن شما نمایندگان رسانه‌های گروهی فرانسه و جهان، و از طریق شما افکار عمومی جهان، با موج جدید و گسترده اعدامها و دیگر جنایات هولناکی است، که اینک رژیم ج.ا. علیه زندانیان عضو حزب توده ایران و دیگر سازمانهای اپوزیسیون بر راه انداخته است. ما همچنین قصد داریم، از این راه، از مردم آزادی‌دوست فرانسه و افکار عمومی جهان بخواهیم، تا بانگ اعتراض خود را علیه این جنایات مقامات ایرانی بلند کنند و قطع اعدامها و آزادی بیدرتنگ زندانیان سیاسی را خواستار شوند.

سرکوب، شکنجه و اعدام توده‌ایها و دیگر افراد میهن‌دوست، مترقی و انقلابی ایران، که در سالهای اخیر همواره سیاست رژیم ج.ا. ایران بوده است، با شکست مفتضحانه سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی!" رژیم به ابعاد جدیدی دست یافت.

ممکن است، سؤال شود: مگر اعدام و سرکوب در حیات جمهوری اسلامی تازگی دارد؟

پاسخ این سؤال "منفی" است، ولی باید اضافه کرد، که ویژگی موج کنونی اختناق در عراق و ایران در آنست، که رژیم‌های "بغداد" و "تهران" پس از اعلام آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح، به زعم

بیانیه منظوماتی هیئت نمایندگان حزب توده ایران

رحمان هاتفی، تقی کی منش، انوشیروان ابراهیمی، رضاشلتوکی، اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، کیومرث زرشانس، عبدالحسین آگاهی، محسن علوی، گاجیک آوانسیان، حسن قزلچی، سعید آذرنگ - اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران و دههاتن دبیر، چون بهرام افشاری، هوشنگ عناریان، بیژن کبیری، فرزاد جهاد، شاهرخ جهانگیری، صالح امیر افشار، رضامحمدزاده، شاپور قناعتی، علی شناسائی، مرتضی باباخانی، حسن حسین پور تبریزی، ابوالفضل پورحییب. (باید یاد آورید، که این لیست به هیچ روی کامل نیست، چون رژیم با خدعه گری از اعلام نام قربانیان خود خودداری می کند).

به گواه گزارشهای متعدد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، "عفو بین المللی" و دیگر سازمانها، مجامع و شخصیت های بین المللی، رژیم جمهوری اسلامی در سالهای گذشته بگونه ای "بی نظیر" به نقض خشونتبار حقوق بشر پرداخته است. در جمهوری اسلامی نه تنها از آزادیهای سیاسی و مدنی کوچکترین اثری نیست، بلکه هزاران تن خودسرانه به زندان افکنده می شوند، قربانی حداقل ۶۰ شیوه شکنجه حیوانی قرار می گیرند و صدها تن از آنان بقتل می رسند.

برای نمونه، در نامه ای که رفیق احمد دانش عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از زندان به آیت الله منتظری نوشت و متن آن را که در سرتاسر

سیاست "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی!" خود با سرکوب انتقام جویانه از صلح دوستان، میهن پرستان و آزادیخواهان ایران سرپوش گذارد. نباید گذاشت

بانتک آزادی طلبانه دهها هزار زندانی سیاسی در بین صدای مذاکرات صلح، که در اهمیت آنها به هیچ روی برای ما شکی نیست، کم شود. جنگ خونین نباید جای خود را به صلح خونین دهد.

ما ضمن تقدیر از اقدامات سازمان ملل متحد و دیگر سازمانها و شخصیت های بین المللی در راستای پایان جنگ و سیاست سازی از ابتکارات و کوشش های شخص آقای پرس دکوشیار، از دبیر کل سازمان ملل متحد خواهش می کنیم، تا هر گونه اقدام عاجل و مقتضی را برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران بعمل آورد و ضمن اجرای وظیفه مهم تامین صلح، وظیفه دیگر سازمان ملل، یعنی دفاع از حقوق بشر را نیز در ایران پیوسته مدنظر داشته باشد.

ما دست یاری بسوی افکار عمومی فرانسه و جهان دراز می کنیم:

- * به اعدامها و دیگر جنایات رژیم جمهوری اسلامی اعتراض کنید!
- * قلع فوراً اعدامها را در ایران خواستار شوید!
- * آزادی بیدرتک و بلاشراعه زندانیان سیاسی ایران را طلب کنید!
- * میلیونها ایرانی و دهها هزار تن از خانواده های زندانیان سیاسی چشم امید به شما دوخته اند.

هیئت نمایندگان حزب توده ایران
شهریور ۱۳۶۷

ایران پخش شده است و حزب توده ایران نیز چندی پیش در "نامه مردم" منتشر ساخت، از جمله آمده است:

"عده زیادی از کسلاان و جوانان و پیران، از زن و مرد و از گروه های مختلف سیاسی و باطایف عقاید کاملاً متفاوت و از جمله تعداد زیادی از رفقای من، به این وضع دچارند که بجای رسیدگی به وضع حقوقی و قضایی آنها، تحت انواع فشارها برای پذیرفتن موقعیت و وضعیتی بنام "توب" بخوانید تن دادن به ریا و تزویر و نفاق واقعی - قرار دارند. در چنین شرایطی که باید تعجب کرد که زندانیان جمهوری اسلامی ایران به کارخانه های ناراضی تراشی - نه تنها در داخل زندانها که در جامعه و در بین خانواده ها و بستگان زندانیان ... تبدیل شده اند."

حزب توده ایران ضمن ابراز خشنودی از خاموشی آتش جنگ، معتقد است، که نباید گذشت، رژیم جمهوری اسلامی بر شکست فضاحت بار

جنگ خونین نباید جای خود را به صلح خونین بدهد!

"فراخوان حزب توده ایران علیه اختناق در ایران"

پایان جنگ برای تسویه حساب با نیروهای دمکراتیک بهره می جویند."

علی خاوری اظهار داشت، که رژیم عراق با آزاد شدن برخی از نیروهای نظامی خود به کشتار خلق گُرد و استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی دست زده است. حزب توده ایران، هم آوا با دیگر صلح دوستان، این جنایت دهشتناک را بشدت محکوم می کند."

رهبر کمونیست خاطر نشان ساخت، که دمکراتهای ایران "انتظار دارند، تا پس از برقراری مناسبات میان فرانسه و ایران، مردم و دولت فرانسه وظیفه خود را نسبت به عدم رعایت آزادیها و حقوق دمکراتیک در ایران از یاد نبرند."

"کشتار اخیر زندانیان سیاسی را در ایران باید با شدت هر چه بیشتر محکوم کرد. چهل و هشت ساعت پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، ایران موج جدیدی از شکنجه و اعدام را علیه زندانیان سیاسی برآه انداخت. چندین رهبر برجسته مردم ایران قربانی این جنایات دهشت انگیز شده اند."

فاروقی، پس از اعلام نام تنی چند از رفقای شهید توده ای و فدایی، خاطر نشان ساخت:

"ما این جنایات را بشدت محکوم می کنیم و از مقامات ایران می خواهیم تا از سیاست نابودی میهن دوستان دست بردارند. ما خاطره شهیدان را اگر می خواهیم داشت و المینان داریم، که فداکارشان بی شرمه نخواهد ماند. از همه نیروهای دمکراتیک هند خواستاریم، تا صدای اعتراض خود را علیه این جنایات مقامات ایرانی بلند و قطع آنها را طلب کنند."

"اومانیته" (فرانسه) در شماره ۱۵ سپتامبر خود زیر عنوان بالانوش:

علی خاوری، دبیر اول حزب توده (کمونیست) ایران، در جریان کنفرانس مطبوعاتی، که روز چهارشنبه در پاریس برگزار شد، اعلام داشت:

"جنگ خونین نباید جای خود را به صلح خونین دهد."

رهبر کمونیستهای ایران افکار عمومی جهان و فرانسه را به دفاع از حقوق بشر در ایران فراخواند. وی از اعدام روزافزون رهبران و مسئولان کمونیست و مترقی بدست رژیم ایران "ایراژ نگرانی" کرد.

به عقیده وی، "دور رژیم (بغداد و تهران) از تمام تحت پیگرد ددمنشانه قرارداد.

(حزب) توانست، در پرتو نقش قهرمانانه خود در مبارزه علیه رژیم شاه، پس از انقلاب ۱۹۷۹ و تا سال ۱۹۸۲ تا حدی به فعالیت علنی بپردازد. در این سال یورش سرکوبگرانه دیگری علیه آن آغاز شد.

آخرین موج ترور ضد کمونیستی علیه حزب توده ایران هنگامی برآه افتاد، که رژیم ایران و دولت ریگان در خفا به بند و بست نشستند.

جنگ راست دولت جمهوری اسلامی، برخوردار از پشتیبانی بازاریها و زمین داران بزرگ و "سیا"، به "واشنگتن" اخطار کرد، که (حزب) توده (ایران) می تواند خطری برای "حکومت میانه روها" بحساب آید."

بر پایه گزارش "نیو ایج" از دهلی نو، م. فاروقی دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند، در بیانیه ای اظهار داشت:

"حزب توده ایران قربانی بند و بست ..."

"نیو ایج"، ارگان مرکزی حزب کمونیست هند، خبر اعدام رفیق زرشانس و همزمانش را به نقل از اسناد حزب توده ایران به تفصیل منتشر کرد. این نشریه همچنین گوشه هایی از نامه اخیر خانواده های زندانیان سیاسی ایران را به پرس دکوشیار منعکس ساخت.

"نیو ایج" افزود: "حزب توده ایران، حزب مارکسیست - لنینیست ایران، از سال ۱۹۸۲ تا کنون بشدت سرکوب می شود. این حزب را محمد رضا شاه پهلوی در سال ۱۹۴۹ منحل اعلام کرد و اعضای آنرا سی سال

NEW AGE

JOURNAL OF THE CONGRESS PARTY OF INDIA

Iran Executes Five Communists 55 On Death Row

IRAN HAS EXECUTED FIVE LEADING COMMUNIST LEADERS AND 55 OTHERS ARE ON DEATH ROW. THE EXECUTIONS TOOK PLACE IN TEHRAN ON JULY 30th.

The execution of five leading communists and 55 others in Iran has been reported by the New Age. The five leaders were executed on July 30th. The 55 others are on the death row. The execution of the five leaders was reported by the New Age. The 55 others are on the death row. The execution of the five leaders was reported by the New Age. The 55 others are on the death row.

The five leaders were executed on July 30th. The 55 others are on the death row. The execution of the five leaders was reported by the New Age. The 55 others are on the death row. The execution of the five leaders was reported by the New Age. The 55 others are on the death row.

به گلگشت جوانان یاد ما را زنده دارید ای رفیقان!

از کنار آن حصار لعنتی

از رفیق زرشناس شعرهایی که در زندان سروده است به دفتر "نامه مردم" رسیده است. این شعرها بیانگر ایمان او به حزب در راه خلق است. بگذارید یکی از آنها را با هم مرور کنیم.

"جمعه ما کوه بود
و آن جایی که سر می شد
...
کوله ای بر پشت
تا در صفای کوهساران زندگی را با صفا کنیم
راه بود پر پیچ و خم
صعب العبور
لغزنده
بخ بندان

اما ما، گریزان از شلوفی های دم کرده تهران
مهر بانی و صفای عشق را
در قله
در سیزه ها
از شقایق های وحشی کنار جوشی می جستیم
تا چون مرغان بال و پر را در فضای باز بکشاییم.

راه بود از کنار آن حصار لعنتی*
و تو گوئی مائمی باید بی خیال از آن حصار لعنتی
روز را پایان بریم
تا شب
راه را با آن
و یاد آن کسانی که خالی بود جایشان در کوه
می گذشتیم.

باقر** آن جا می نمود هر بار مکت
بانگامی ژرف بر دیوار
یاد می آورد ۲۵ سال زندگی را
شور و عشق جوانی را
بند را
تیرگی ها
روشنایی ها
امیدها و ناامیدی را

او در آن جا
به صدای جزئی ما
رضایی ها
تیرابی ها
و به هزاران ناله* زیر دست بند و شلاق
گوش می داد
و در خود فر می رفت.

از رفیقانی که در عرض ۲۵ سال
در این بیغول هادیده است یاد می کرد
به ما می گفت
این حصار چون اژدهائی پاس می دارد گنج این کشور را
نه کوه نور
نه الماس
نه زمرد

(که نکین تاج شاهانند)

بل آن الماس ها و زمردهائی که از درون ملتی،
از عصیان خلقی نشان دارند
می تپند
اندیشه می سازند

می خروشد
با لبی گویا.
قلیها در مشت،
در کنار این دیوار
از برای ما آزادی جان دادند
باقر، لبخندی پر معنی بر لب، می گفت:
شدد کارا
این حصارها
پهلوی را

او،
علی
عباس
اسماعیل
تقی
رضا

همچون گردان میدان رزم
۲۵ سال در حصار این حصارها کرده اند پیکار
مشعل آویخته اند بر تارک تاریخ زندانها
جوانی را به پیری سپردند
تا شدند اسطوره* تاریخ
و سر مشقی بر ای راهبان قله* خورشید.
غفر مندان با کوبیدند
در شادمانه چش مردمان
سیلی زدند بر دشمن مغرور
به آنهایی که می پنداشتند
ایستاست تاریخ

باقر! رفیق با وفایم
تر ادر بند "آسایش" کنار ذوالقدر پیر دیدم
زیر چتر آن چشم بند
آنگاه بانگی شامبجار:
"رو به دیوار"
نشد تا سلامی گوئیم
یادای کنیم از رضا،
تقی،

حیدر و دیگر فولاد مردان حزب ما
و به ستائیم این همه ایمان به حزب و راه خلق را
کوهید
چون کوه دماوند استوار و با صلابت
می کنید آغازی امین سال را در پس این دیوار
یاد باد آن قهقهه هائی که سردادیم در کوه
بخندم بر آنهایی که دل بستند بر دیوار
به یاد آورم گفته ات را
که کارا نیست این دیوار

* منظور زندان "اوین" است
** منظور رفیق باقر زاده است

در چهل و هفتمین سالگرد بنیان گذاری حزب
توده* ایران به دیدار رفیقانی می رویم که اکنون در
بستر خون آرمیده اند. اما راهشان ادامه دارد، این
مشعلداران نبرد خلق، این فرزندان بخون آغشته*
تاریخ، این بزمندان.



رفیق زرشناس، من با

آغوش باز مرگ را

می پذیرم

"رفیق زرشناس را

در سالن ملاقات دیدم.

خوب و محکم و بشاش با اثر زخمی عمیق روی سر.
وضعیتش را جویا شدم. گفت: "سال ۶۴ مرا به
دادگاه بردند و دادستانی همان موقع بر ای من و چند
تن دیگر از رفقایم تقاضای حکم اعدام کرده که هنوز
هم این تقاضا به قوت خود باقی است." نظرش را
خواستیم. گفت: "من با آغوش باز مرگ را
می پذیرم."

(از متن یک گزارش)



رفیق سعید آذرنگ:

باگردن افراشته

"من به افتخار به

روز آرامش و آسودگی

رسیدم. بر ای من گریه

نکنید و سیاه نباشید، زیرا

باگردن افراشته ایستاده ام. به پسر کلم بگوئید
دوستش دارم و می خواهم فرزند سعید باشد."



رفیق تقی کی منش:

آرزویم هست

توده ای بیمیرم

"بزرگترین افتخارم

این است که سر باز ساده*

حزب توده* ای این هستم

و آرزویم هست توده ای،

بیمیرم و حزب توده* ای این معنی حزب، ای که کارگر
ای این پیر و زوموفی کردد"



گفتگوی رفیق کبیری

وری شهری جلاد

"چرا شما همیشه

تولته های غرب را افشا

می کنید؟ من می ترسم روزی،

شما را به اتهام جاسوسی،

بر ای شوروی محاکمه کنم."

رفیق کبیری: "اگر چنین اتفاقی بیفتد، البته
بدانند که محاکمه کننده* من عامل باجاده صاف کن
آمریکاست."

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه

آزادی

استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

به گلگشت جوانان یاد ما را زنده دارید ای رفیقان!

قهرمان شکنجه گاه



رفیق حیدر مهرگان می‌نویسد:

"رفقا! بن بست و وجود ندارد، دیوارهای خودتان را بشکنید و آن قشون یک تنه را از اعماق وجودتان صدا بزنید". او بر این باور است که در نبرد یک تنه و نا برابر انسانهایی چون هوشنگ تیزابی با شکنجه گران "دژخیم با جسم سر و کار دارد، اما قهرمان شکنجه گاه با جان و ایمانش حمله می‌برد".

قهرمانی که حیدر تصویر می‌کند، و اکنون در چهره * اسطوره‌ای خود او متجلی شده است، در لحظه‌ای که دیگر همه چیز را تمام شده می‌انگارد، پیش رویش زمان به انجماد می‌گردد، هیچ چیز حرکت نمی‌کند، درد در او به عجز تبدیل می‌شود و احساس می‌کند که بیش از این نمی‌تواند رنج بکشد، با تاریخ پیوند می‌خورد. در او روحی سر بر می‌دارد که صدایش "جهاد و شبیخون" است. روحی "نا آشنا" که معنی قهرمان است، از تبار اوست و تاریخ از زیر پایهای برهنه و خونینش گذاشته است.

حیدر مهرگان در فصلی از زندگی نامه * رفیق هوشنگ تیزابی با عنوان "سرودی که از فراز شکنجه گاه گذشت" این لحظه و این انسان آرمانی را چنین به تصویر می‌کشد:

"... انکار شمع آجینش کرده بودند. از سطح بدنش آتش و درد بر می‌خاست. حتی فکر کردن برایش نوعی درد کشیدن بود. حواسش را متمرکز کرد تا لختی بیندیشد، اما افکارش از او می‌گریختند. می‌خواست در این اندیشه‌های گسسته چنگ بیندازد و بر ای ساعتی دیگر که دژخیم برای نبرد نهایی باز می‌گشت نقشه‌ای بکشد، ولی احساس می‌کرد که قادر به این کار نیست. هوش و حواسش سر جابوید، اما اندیشه‌اش نه. گویی میخ قطوری را وسط مغز سرش نمی‌شناسی؟

کوبیده بودند.

زمان منجمد شده بود. هیچ چیز حرکت نمی‌کرد. نور سرخ قام لامپ بریده بریده بر او می‌تابفت، مثل شیری که لخته شده باشد. هوشنگ احساس می‌کرد در میان این نور کمرنگ و وارفته در حال حل شدن و منتشر شدن است. درد در او به عجز تبدیل می‌شد. برای اولین بار در زندگی احساس می‌کرد که نمی‌تواند. به خودش نهیب زد:

- حیا کن... بر خیز... هنوز می‌توانی رنج بکشی.

هوشنگ نالید:

نمی‌توانم.

خودش بود که به خودش پاسخ می‌گفت. اما نه، آنکه به او نهیب می‌زد خودش نبود. سایه لغزانی بود که پوست او را شکافته و بیرون خزیده بود. چه شباهتی! هوشنگ گمان می‌کرد خود را در آیینی می‌بیند. باشکفتی پرسید:

تسو کبستی؟

- من آمم که از توبه ستوه آمده است.

سولی من ترا نمی‌شناسم.

- بر ای باز خواهی شناخت.

- نیرویی بر ایم نمانده است.

- از من نبر و بگیر.

نمی‌توانم.

- دست هایت را به من بده.

- به تو اعتماد دارم.

- به من و خودت اعتماد کن.

- تمام شده ام.

- درد تو همین است. کاری بکن، از قهر رنج و شوریختی خود قیام کن.

- دست هایت مال من نیست، پاهایم مجروح است.

- زخمت را دور بریز، به دردی که ترا از پای در آورده تکیه بده و به ستاره‌ها چنگ بینداز. جرات داشته باش. با آخرین قطره هستی ات به آن بخش از وجودت که تپا شده هجوم ببر و آن را دوباره تصرف کن. در هر ذره از تو قدرتی است که با آن می‌توانی جهان را ویران کنی. کافی است که این روح فنا ناپذیر را بخوانی.

- چگونه؟

- او را صدا بزن. او از زیر لایه‌های سنگین فراموشی تو بیدار خواهد شد.

- صدایم ظنینی ندارد.

- صدای من اورا بخوان.

- تو کبستی، ای که صدایت جهاد و شبیخون است. چه لحن آشنا و مغروری داری.

- من معنی توام. من از تبار تومی آمم. تاریخ از زیر پایهای برهنه و خونین من گذاشته است. در زیر پاهایم جایی از آن داغ و زخم و تازیانه است. در چشم‌های دردناک من نگاه کن. چطور مرا اندیشه‌اش نه. گویی میخ قطوری را وسط مغز سرش نمی‌شناسی؟

- نامت را به من بگو. می‌خواهم این طلسم را در مشت داشته باشم.

- من هزار بار مرده‌ام و باز هزار بار متولد شده‌ام. کدام نام را می‌خواهی؟ در پشت هر یک از نام‌های من، سرهای از بدن جدا شده مناره شده‌اند، تن‌های در آتش سوخته و بی‌کمرهای به در آویخته صف کشیده‌اند. من بردیای دروغینم که از من بزرگ‌ترین دروغ تاریخ را ساختند و چون لقمه‌هایی از گوشت تنم در دهان فرزند نامم گذاشتند. من به چهره * اشرافیت آدم خوار تف کردم. زمین را به آن کس که با ناخن و عرق خود آن را بار آور می‌کرد دادم. من گفتم: عدالت. اما به قصاص این گناه به نام عدالت سر از تنم جدا کردند... من مزدکم که فریاد زدم همه * گرسنه‌ها باید سیر شوند، همه چیز لغزانی بود که پوست او را شکافته و بیرون خزیده بود. چه شباهتی! هوشنگ گمان می‌کرد خود را در آیینی می‌بیند. باشکفتی پرسید:

تسو کبستی؟

- من آمم که از توبه ستوه آمده است.

سولی من ترا نمی‌شناسم.

- بر ای باز خواهی شناخت.

- نیرویی بر ایم نمانده است.

- از من نبر و بگیر.

نمی‌توانم.

- دست هایت را به من بده.

- به تو اعتماد دارم.

- به من و خودت اعتماد کن.

رفیق جهانگیری:

راه مرا پیش گیر

"کیوان عزیزم، پسر بازیگوش خوشکلم. فرصت نشد زیاد با هم باشیم. مرا ببخش، در راه آرمانی والا کار می‌کردم و به شهادت می‌رسم. راه مرا پیش گیر!"

رفیق فرزاد جهاد:

خون

برای آبیاری انقلاب

"اگر خون برای آبیاری انقلاب باشد بگذارد

بریزد و اگر برای عقب نشینی در برابر نیروهای راست باشد این جمهوری بر زمین نخواهد ماند".

رفیق صالح امیر افشار:

درفش با خون

شسته شده حزب

"ما از سالور خونچکان مدافعان سرمایه

نخواهیم ترسید و هرگز مرعوب نخواهیم شد. ما علیرغم تمام مشکلات و پیچیدگی‌های موجود در عرصه * سهمناک نبرد، بدون هراس از دشواریها و شاید همچنان استوارانه خواهیم رژیم و درفش پر افتخار حزب را که با خون شسته شده افراشته نگاه خواهیم داشت... آینده پاتامی شکوه و عظمت خود به ما تعلق دارد. ما قطعاً بدون کمترین تردید، اگر چه با رنجهای گران، و پیر و زمنده به آینده دست خواهیم یافت. پس زنده باد آینده و پیش بسوی آینده!"

رفیق ابوالفضل پور حبیب، از قهرمانان جاودان حزب

در آخرین ملاقات (پیش از نوروز ۶۷) گفته بود که اعدامش خواهند کرد و در تیاتب دلهره *

لحظه‌ها، هنگامی که اشک و خون در چشمهای دوید، خواسته بود که بر مرگش نگریند، دشمن را بگریزاند. و گفته بود که لباس تیره نپوشند.

هنگامی که رژیم چنانپتکار ج.ا. رفیق پور حبیب را تیر باران کرده از داخل کشور بر ای رهبری حزب چنین پیام آمد: "رفیق شهید، پاسدار توده‌ای ابوالفضل پور حبیب از ارزش والایی بر خوردار بود و در زمره * قهرمانان جاودان حزب است."

درد بر زندانیان توده‌ای و دیگر مبارزان انقلابی دربند!

بمبده در ص ۸



کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

اعتراض سردبیر "فولکس اشتیمه"، به رژیم ایران



Tudeh-Sekretär ermordet

Wie das Politische Büro der Tudeh-Partei Irans bekanntgab, ist der seinerzeitige ZK-Sekretär Rachmann Hateli Monfared nach langer Folter im Gefängnis ermordet worden. Angesichts weiterer Hinrichtungen im Iran hat „Volksstimme“-Chefredakteur Michael Graber vom Volksstimme-Fest aus ein Telegramm an die iranische Botschaft gesandt, in dem die sofortige Einstellung der Hinrichtungswelle gefordert wird.

به گزارش "فولکس اشتیمه"، ارکان مرکزی حزب کمونیست اتریش، میخائل گرابر، سردبیر این روزنامه، از "جشن فولکس اشتیمه"، که چند روز پیش در وین برگزار شد، تلگرام اعتراضی به سفارت ایران در وین فرستاد. او در این تلگرام خواهان قطع فوری اعدام‌ها در ایران شد.

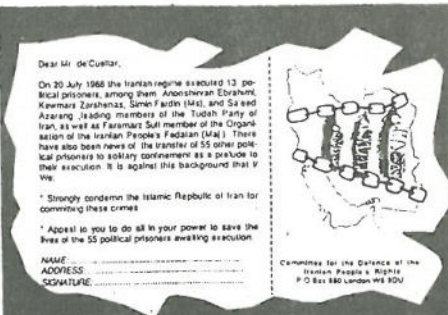
تلگرام "اتحادیه بین المللی دانشجویان" به خامنه‌ای

دبیر خانه "اتحادیه بین المللی دانشجویان" در تاریخ ۱۷ اوت تلگرام زیر را به خامنه‌ای فرستاده است:
"بنام میلیونها دانشجو در سراسر جهان به اعدام کیومرث زرنشان و بارانش اعتراض می‌کنیم. ما همچنین خواستار قطع همه اعدامها، محاکمه منصفانه، بازداشت شدگان، پاتوجه به حق دگراندیشی سیاسی، و آزادی فوری همه زندانیان سیاسی هستیم."

دبیر خانه "اتحادیه بین المللی دانشجویان"

طلب یاری از دکوئیار

کارت اعتراضی زیر را "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" (بریتانیا) برای ارسال به پیرس دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، تهیه کرده است.



در متن کارت به جنایات اخیر رژیم ایران اعتراض و از پیرس دکوئیار خواهش می‌شود، تا برای نجات زندانیان سیاسی "سلولهای مرگ" کوشش ورزد.

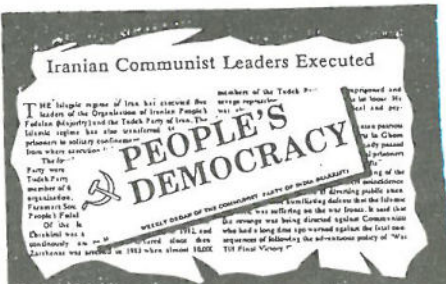
همبستگی با زندانیان سیاسی در "فستیوال کار" کانادا

چندی پیش در تورونتو "فستیوال کار" بمناسبت پنجاه و سومین سالگرد انتشار "کامیونین تریبیون"، ارکان حزب کمونیست کانادا، برگزار شد.

بسیاری از شرکت کنندگان در این فستیوال با امضای طومار و کارتهای اعتراضی به مسئولان رژیم ایران همبستگی خود را با حزب توده ایران و زندانیان توده‌ای ایران کردند. آنها در نامه‌هایی به خامنه‌ای، موسوی و رفسنجانی خواهان قطع اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی شدند.



"رهبران کمونیست ایران اعدام شدند"



"پی پلز دیموکراسی"، ارکان هفتگی حزب کمونیست هند (مارکسیست)، در مقاله‌ای زیر عنوان "رهبران کمونیست ایران اعدام شدند"، خبر قتل و اعدام رفقا نوشیروان ابراهیمی، کیومرث زرنشان و یارانشان را منتشر ساخت. این هفته نامه به تفصیل از اعلامیه‌های حزب توده ایران درباره موج جدید کشتار رژیم علیه نیروهای انقلابی و مترقی نقل قول کرد (به کلیشه رجوع شود).

نامه به هائو و کیناک

"لیبریشن"، سازمان ضد امپریالیستی و ضد نژادی بریتانیا، در رابطه با اعدامهای اخیر دو نامه به سر جفری هائو، وزیر خارجه بریتانیا، و نیل کیناک، رهبر حزب کارگر این کشور، نوشته است. در نامه "لیبریشن" به وزیر خارجه بریتانیا آمده است:

"بویژه نگران باید بود، که این رویدادهای بربرمنشانه تنها چند روز پس از موافقت دولت تهران با مذاکرات صلح با عراق صورت گرفت. این عمل گستاخانه می‌تواند تأثیرات زبان‌بخشی بر مذاکرات صلح داشته باشد.

مقصود از نوشتن این نامه به شما آنست، که در تماس با دولت ایران در راستای قطع اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی اقدام کنید."

"لیبریشن" در نامه خود به رهبر حزب کارگر بریتانیا، پس از اشاره به اعدام توده‌ایها، از جمله، می‌نویسد:

"حزب توده ایران چه در شرایط بسیار خطرناک دوران شاه و چه در اوضاع دشوار پس از انقلاب همواره در راه صلح و دموکراسی رزمیده است.

این حزب پیوسته خواهان خاتمه جنگ ایران و عراق بوده است. امیدواری ما اینست، که دموکراتها در همه جا اعدام رهبران این حزب را محکوم کنند... از شما می‌خواهیم، تا در تماس با دولت ایران و از راه بسیج جنبش کارگری در راه قطع اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی کام بردارید."

تظاهرات در کلن

روزنامه "کلنر اشتات آنسایگر" خبر می‌دهد، که روز ۱۶ اوت ۱۹۸۸، در کلن (آلمان غربی) در حدود ۷۰ ایرانی علیه "اعدام ده مخالف (رژیم ایران)، از جمله یک زن، به تظاهرات پرداختند". بستگان اعدام شدگان و اعضای تشکیلات دموکراتیک زنان، دو ساعت در برابر ساختمان "دریچه‌هوله" (رادیو آلمان غربی) ایستادند. آنها همچنین خواهان لغو حکم اعدام دبیر شدند.

نامه جمعیت "یاری مردم فرانسه"

در بی انتشار نامه سرکشاده دکتر احمد دانش خالاب به آیت الله منتظری در "نامه مردم" و انعکاس گسترده آن در افکار عمومی کشورهای مختلف، جمعیت "یاری مردمی" فرانسه نیز با ارسال نامه‌ای به سفارت ج.ا.ا. در این کشور، نسبت به پایمال شدن ابتدائی‌ترین حقوق فردی و انسانی در زندانها، ج.ا.ا. عمیقاً ابراز تألمی کرد. متن این نامه به این شرح است:
"آقای سفیر، جمعیت ما که در چارچوب بشر دوستانه فعالیت می‌کند و ۶۵۰ هزار عضو را در فرانسه شامل بقیه در صفحه

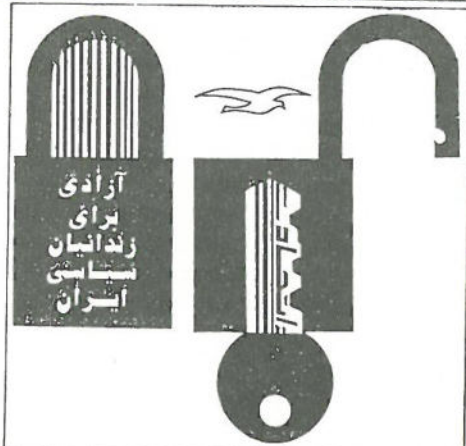
کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران

اعدام کمونیست‌ها

چراغ سبزی است به آمریکا

"فری هتن"، ارگان حزب کمونیست نروژ، بار دیگر در مقاله‌ای ضمن تجلیل از مبارزات حزب توده* ایران علیه رژیم خمینی، اعدام‌های اخیر کمونیست‌ها را بمثابة "چراغ سبز نشان دادن به آمریکا" ارزیابی کرد.

"فری هتن" از همه* آزادیخواهان نروژ خواسته است، تا فرم اعتراضی زیر را پراکنند و به سفارت جمهوری اسلامی در اسلو ارسال دارند.



می‌گردد، از سرنوشت دکتر احمد دانش در ایران اطلاع یافت. دکتر احمد دانش که از سال ۱۹۸۲ در تهران بازداشت گردیده، همراه با بسیاری دیگر از زندانیان، تنها بخاطر عقاید و نظرات خویش، شرایط سخت و دشواری را از سر می‌گذرانند.

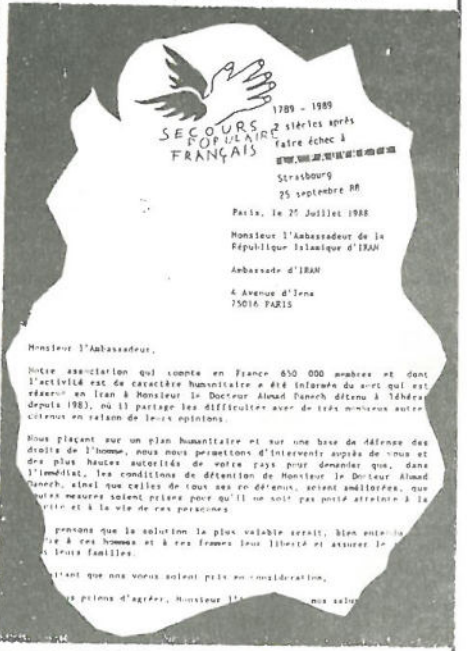
مابری بنیادی اصول بشر دوستانه و بر پایه* دفاع از حقوق انسانها بخود اجازه می‌دهیم به شما و مقامات عالی‌رتبه کشورتان رجوع کنیم و از شما بخواهیم تا اثر ایلی که احمد دانش و سایر هم‌بندان وی در آن بسر می‌برند، فوراً برطرف و اقدامات لازم برای ممانعت از تجاوز به حقوق و شخصیت و نیز حق حیات انسانها بعمل آید.

ما معتقد هستیم که راه حل معقول همانا آزادی این زنان و مردان و فراهم آوردن بازگشت آنان به کانون خانواده‌هایشان خواهد بود.

امیدواریم خواسته‌های ما مورد توجه قرار گیرد.

با ارسال درودها دائیل آسالی

دبیر جمعیت "یاری مردمی" فرانسه



اعتراض "ث.ژ.ت." به سفیر ج.ا.

"کنفدراسیون سراسری کار" "ث.ژ.ت." در فرانسه، نسبت به اعدام زندانیان سیاسی و بویژه کشتار اخیر زندانیان توده‌ای شدیداً ابراز انزجار کرد. "ث.ژ.ت." در نامه‌ای به سفیر ج.ا. در فرانسه می‌نویسد:

"آقای سفیر،

خبرهایی که از ایران بدست ما می‌رسد، بار دیگر نگرانی شدید ما را دربارۀ سرنوشت زندانیان سیاسی کشورتان موجب می‌شود. اعدام‌های بی‌شماری، که بی‌دری انجام می‌گیرد، از جمله در مورد ۴ تن از رهبران حزب توده* ایران، که روز ۲ ژوئیه به جوخه‌های اعدام سپرده شدند، انزجار عمیق ما را برانگیخت.

"کنفدراسیون سراسری کار" پنجم میلیونها

کارگری، که در فرانسه از اطمینان آنان برخوردار است، پایان دادن فوری به اعدام‌ها، آزادی بی‌درنگ همه* زندانیان سیاسی و سندیکایی و نیز برقراری آزادیهای دموکراتیک و سندیکایی را در ایران مصراحت می‌طلبد.

"کنفدراسیون سراسری کار" که از تلاشهای سازمان ملل برای خاتمه دادن به جنگ ویرانگر بین ایران و عراق بر پایه* قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت قویاً پشتیبانی می‌کند، امیدوار است که هر چه زودتر صلح در این منطقه از جهان برقرار شود که در اینصورت احترام به حقوق انسانها و آزادیهای دموکراتیک را در همه* کشورهای ذینفع در دستور روز قرار می‌دهد.

سازمان سندیکایی ما که از همان روزهای نخستین، این درگیریهای مرگ‌آفرین را محکوم کرد، جدّاً امیدوار است که این نبردها خاتمه یابد و از این طریق راه حل مناقشات گوناگون منطقه‌ای در جهان، در جهت منافع صلح همگانی هموار گردد.

این موضع "ث.ژ.ت." در چارچوب سنتهای بین‌المللی ما و در راستای دفاع از منافع کارگران منطقه و جهان است.

باتقدیم احترامات فائقه
ژوانس کلان

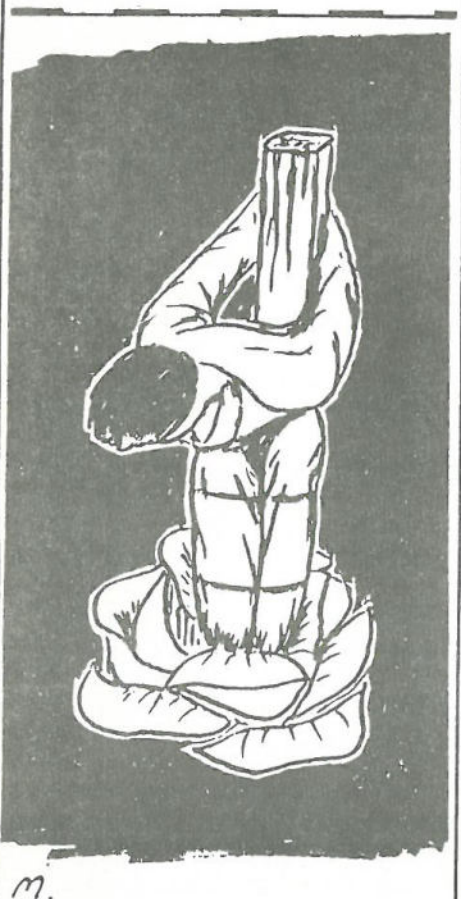
دبیر "ث.ژ.ت." در امور مسائل بین‌المللی

Kommunisten henrettet

De politiske angere trenger lys!

Kom badlene i forkjøpet!

26. juli i år ble det politisk krig i Norge. De som...



حزب کمونیست هند:

حزب توده* ایران قربانی
بند و بست با ریگان است

در ص ۲

CONFÉDÉRATION GÉNÉRALE DU TRAVAIL

263, RUE DE PARIS - 75014 PARIS - TEL. 144.14.000

Reçu n° 112

Remboursé le 2 août 1988

Monsieur l'Ambassadeur de la République d'Iran
4, Avenue d'Iéna,
75016 - PARIS

Monsieur l'Ambassadeur,

Les informations qui nous parviennent d'Iran suscitent, nouvelle fois, les plus vives inquiétudes sur le sort de prisonniers politiques dans votre pays.

Les nombreuses déclarations qui se succèdent, comme celle nous venant d'apprendre de 4 délégués du Parti TROUSKAIS arrivés le 20 juillet dernier, suscitent notre plus vive indignation.

Le CGT, au nom des millions de travailleurs qui lui font confiance en France, réclame instamment l'arrêt de toutes les "exécutions" de libération immédiate de tous les prisonniers politiques et syndicalistes et le rétablissement des libertés démocratiques et syndicales en Iran.

Le CGT, qui apporte son plein soutien aux efforts des Nations pour le fin de la guerre meurtrière entre l'Iran et Israël sur la base de la "résolution" 1988 du Conseil de Sécurité, souhaite que le Païs d'Islam se situe dans cette région du monde et qu'il respecte le respect des droits de l'homme et des libertés démocratiques dans tous les contextes.

Veuillez agréer, Monsieur l'Ambassadeur, l'assurance de nos sentiments les plus distingués.

گوشه‌هایی از همکاری‌های

ج.ا. و پاکستان

پاکستان و ترکیه تا هر دو کشور "مسلمان"، "دوست" و "برادر" ج.ا. هستند که اساساً قرابت و اشتراکات فرهنگی بسیار زیاد، "از جمله دین، زبان و آداب و رسوم" بین آنان پیوند ایجاد کرده است. اما در مهمترین وجه، این دو کشور دو پل ارتباطی مهم بین رژیم‌های ایالات متحده آمریکا و ایران بشمار می‌آیند.

اینک، پس از حادثه کشته شدن ضیا الحق، رئیس جمهوری پاکستان، روزنامه "رسالت" گوشه‌هایی از همکاری‌های ایران و پاکستان در دوره حکومت ج.ا. را تشریح می‌کند. "رسالت" از جمله در مورد تصریح می‌کند:

"آموزش افراد نیروی هوایی و دریایی ایران در پاکستان" و "ارسال تجهیزات نظامی، بویژه قطعات یدکی هواپیماهای نظامی اف - ۵ به ایران".

روشن است که پاکستان، نه قادر بوده است به تنهایی آموزش افراد نیروی هوایی و دریایی ایران را بعهده بگیرد و نه می‌توانسته است خودسرانه قطعات یدکی "اف - ۵" را در اختیار ایران قرار دهد. رژیم پاکستان، که در وابستگی آن به ایالات متحده آمریکا هیچگونه تردیدی وجود ندارد، در واقع نقش واسطه را بازی کرده است. در شرایطی که روابط سیاسی ایران و ایالات متحده آمریکا، روشن است که امکان حضور افسران و مستشاران نظامی آمریکایی در ایران وجود نداشته است. اما واسطه‌های دوررژیم توانسته‌اند در مذاکرات پنهانی با یکدیگر این مسئله را حل کنند. چه جایی بهتر از کشور "دوست و برادر" پاکستان.

به نوشته "رسالت" و چهره مشترک دیگری نیز برای "همکاری" دو رژیم ایران و پاکستان وجود داشته است که به نوبه خود در خور اهمیت هستند.

از جمله:

- "درگیری و اختلاف اسلام آباد با دهلی و کابل و حمایت سیاسی و نظامی ایران از پاکستان در برابر این دو کشور"

- "داشتن منافع مشترک در قبال تحرکات سیاسی و نظامی شوروی در منطقه"

- "عدم اجازه فعالیت گروه‌های ضد انقلاب بر ای اقدام علیه ایران و اخراج تعداد زیادی از آنان از پاکستان".

"رسالت" می‌نویسد: "ژنرال ضیا الحق نقش عمده‌ای در ایجاد چنین روابط برادرانه و حسنه‌ای داشته است."

بی‌دلیل نیست که خامنه‌ای، رئیس جمهوری اسلامی با مراجعه به سفارت پاکستان در ایران، در مورد از دست دادن "یک دوست واقعی" و "برادر عزیز" بسیار خوب اظهار تاسف و اندوه می‌کند.

دید. یعنی سیاست خارجی رژیم همچنان از جمله برپایه بی‌احترامی به صلح، تشنج زدائی و دوستی بین خلقها و اصول موازین شناخته شده بین‌المللی همانند حسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای مستقل و دارای حق حاکمیت و سیاست داخلی آن برپایه عدم رعایت حق خلقها در تعیین سرنوشت، بی‌احترامی به دمکراسی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی انسانها استوار خواهد ماند و دستخوش دگرگونی اساسی نخواهد شد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانه یادداشتی به ۴۸ سالگی حزب بار دیگر خاطر نشان می‌سازد که آزادی و صلح همچنان دو خواست حیاتی مردم ایران را تشکیل می‌دهد و در شرایط کنونی که بحران انقلابی جامعه را فرا گرفته و رژیم هیچگاه تا این حد منزوی نبوده است، اتحاد نیروها حول خواسته‌های مشترک اهمیت سرنوشت ساز پیدا می‌کند. حزب توده ایران بار دیگر همه مخالفان رژیم و خواستاران آزادی و صلح را که در عرصه مبارزه حضور دارند فرا می‌خواند تا قطعه نظر از تعلق لبقاتی، اختلاف‌های عقیدتی و سیاسی، صرف نظر از انگیزه‌های

حال و آماج‌های دور بردشان، تنها و تنها در راه سرنوشتی رژیم خودکامه "ولایت فقیه" دست‌یابی به آزادی و صلح دست اتحاد بسوی یکدیگر دراز کنند. درستی پیشنهاد بر پایی جبهه واحد در برابر رژیم را از واکنش و شیوه عمل رژیم می‌توان دریافت. کیست که نبیند رژیم خودکامه حاکم تا چه اندازه از هرگونه نزدیکی و تقاضا در میان نیروهای گوناگون مبارز را اس دارد و تا چه اندازه با بسیج تمام امکانات خود تلاش می‌ورزد که در بین احزاب و سازمانهای متشکل انقلابی و مترقی و نیروهای پراکنده و نامنسجم بدرجائی وسو تقاضا و پراکندگی و دشمنی بیفشاند. همین تلاش دشمن باید برای همه مبارزان ضد رژیم پندآموز باشد و آنها را در راه ارزایی واقعه بینانه اوضاع و احوال جامعه و وظیفه عاجل برخاسته از این ارزایی یعنی نزدیکی و وحدت عمل به پیش راند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهر ماه ۱۳۶۷

بلیه از صفحه ۵

قهرمان شکنجه‌گاه

ایستاده بود و هاج و واج او را نگاه می‌کرد. صورت خیس قهرمان شکنجه‌گاه در زیر نور آبی برق می‌رقق چرخ می‌چرخید. صیقل یافته‌ای برق می‌زد. میر غضب با لبخند خبیثی گفت:

- حرام زاده! کله تو، مثل اینکه آدم شده‌ای.

هوشنگ روی پاهای زخم دار و آتش و لاش ایستاد. سوز و دردی در کار نبود. هر چه بود جهش و هجوم بود. سینه‌اش را جار داد و با لحنی که میر غضب هرگز نشنیده بود گفت:

- حرام زاده، من آماده‌ام.

در اینجا این تنها هوشنگ تیبی‌ای نیست که از بستر خویش تاریخ سر بر می‌دارد. او نمونه‌ای است از انسانهایی چون خود او، روزبه، کتیرائی، وارطان و خود رحمان هاتفی که از هر نسلی و در سراسر پیچیدگی از تاریخ اسطوره ذهن مبارزان راه طبقه کارگر می‌شوند.

وطن را شیار زدم و هر تکه از وجودم را چون دانه گندم در این شیارها کاشتم... من روزبه‌ام که در میدان همه شهرهای سرزمین ایستاده‌ام و از هر زخم صدایی می‌آید که گرسنگان و شهدا آن را خوب می‌شناسند. من نام‌های بی‌شماری دارم که هر یک از آنها سنگ گور شریف مردم است. آیا هنوز مرا نمی‌شناسی؟

در آن تاریکی چسبیده و نور که از روح مرموزی سرشار بود، دانه‌های درشت اشک چهره هوشنگ را می‌شست:

- دست ما بگریز ای که مرا به من باز گرداندی... دست مرا بگیر.

باز آن نبود سیلاب بود. روح خسته با خمیازه‌ای به پا خاست. راین سیلاب شور و گرم غوطه خورد. اسفندیاری بود که دیگر بار در آب متبرک رو بین می‌شد.

سایه ابر مانند در ذرات تاریکی جذب شد، اما حق آرام هوشنگ ادامه داشت. مدتی بود که درخیم در آستانه در سلول

گمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است
حساب بانکی ما:
Sweden, Stockholm
Sparbanken Stockholm
NO: 040012650
Dr. John Takman

به برنامه‌های
رادیوی زحمتکشان ایران
گوش فرادید!

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

NAMEH MARDOM NO:226 27 September 1988
نشانی پستی: Address: P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden